

مشارکت هندوهای شمال شبه قاره در عزاداری امام حسین علیه السلام؛

از دوران سلاطین اوده به این سو

منا کریمخانی^۱

علیرضا ابراهیم^۲

ابوالفضل محمودی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴

چکیده

شمال شبه قاره هند در سده‌های ۱۲ و ۱۳ ق تحت سلطه حاکمان شیعی موسوم به سلاطین اوده قرار داشت که مستقل از قلمرو گورکانیان اداره می شد. شیعیان اوده در این زمان فرصت یافتند تا مهم‌ترین سنت دینی تشیع، یعنی عزاداری امام حسین علیه السلام، را توسعه دهند. این نوشتار با روشی «توصیفی-تحلیلی» نشان می‌دهد که رسوم عزاداری تشیع چگونه با آیین‌های مشابه هندویی هم‌افزایی کرده و به عنوان عاملی وحدت‌بخش میان شیعیان و هندوها عمل نمودند. زمینه‌های اعتقادی و آیینی مشترک، همچون: نجات از طریق محبت‌ورزی به مقدسان، موعودباوری، مظاهر تقدس زنانه، توسل، زیارت، نذر و ... همگی جزو عواملی بودند که درک نزدیک‌تر هندوها از عزاداری شیعیان را میسر ساخت و ایشان را به مشارکت در این مراسم ترغیب نمود. تا به امروز، شماری فراوان از هندوها به صور مختلف در عزاداری محرم شرکت می‌جویند و میهمان مراسم امام‌بارها هستند. بعضی از آنان، با تقلید از شیعیان نسبت به امام حسین علیه السلام توسل نموده و برای حاجات خویش نذر می‌کنند. همراهی شیعیان و هندوها در عزاداری امام حسین علیه السلام نه تنها به پیدایش و رشد انواع گوناگون عزاداری منجر گردیده، بلکه روابط ایشان را در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تسهیل کرده و شهرهایی همچون لکنهو را به کانون‌هایی از وفاق فرهنگی تبدیل نموده است؛ شهرهایی که خالی از خشونت-های مذهبی هستند.

واژگان کلیدی: تشیع هند، عزاداری، برهمنان حسینی، تعاملات شیعی هندویی، سلطنت اوده

^۱. دانشجوی دکترای ادیان و عرفان، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲. استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Alirezaebrahim90@gmail.com

^۳. استاد گروه ادیان و عرفان، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

قرارگیری ادیان گوناگون در جغرافیای واحد، متضمن موضع‌گیری پیروان آنها در قبال باورها، آیین‌ها و اخلاق یکدیگر است. این موضع‌گیری حسب زیرساخت‌های فکری، پیشینه فرهنگی، بافتار جمعیتی، فضای سیاسی و یا موقعیت اقتصادی، می‌تواند مبتنی بر تقابل یا تعامل باشد. تشیع در بستری از ادیان و مذاهب گوناگون پدید آمد و بنا بر مقتضیات، بخش‌هایی از مسیر تاریخی خویش را نیز در کنار دیگر سنت‌های دینی و مذهبی سپری کرد. گسترش تشیع در شمال هند را می‌توان بر همین سیاق ارزیابی نمود و نشان داد که چگونه ادیان باستانی این سرزمین، برپایه آموزه‌ها و آیین‌های مشابهی که با تشیع داشتند، زمینه پذیرش تشیع را دارا بودند.

برای تبیین زمینه‌ها؛ روند و نتایج این تعاملات، توجه به ماهیت و تنوع ادیان بومی هندویی در کشمیر حائز اهمیت است؛ ادیانی که پیش از استقرار تشیع در این منطقه ساکن بوده‌اند و بعدها وارد تعامل با شیعیان شدند. همچنین، سازوکار اعتقادی، آیینی و فرهنگی این ادیان نیز مستلزم تحقیق است تا بتوان مولفه‌های ایجاد تعامل را بر اساس آنها شناسایی کرد. همچنین، پیشینه ورود شیعیان به کشمیر هم مستوجب بررسی دقیق است تا از این رهگذر بتوان گونه‌شناسی درستی از انواع تشیع موجود در کشمیر ارائه داد. بر این اساس، لازم است که محورهای اعتقادی، آیینی و فرهنگی شیعیان نیز به تفکیک مورد واکاوی قرار گیرد. از آن جا که سلاطین اوده در مقاطعی نسبت به شاخصه‌های تشیع اظهار گرایش نموده و بعضاً در ترویج آنها اهتمام ورزیده‌اند، معیار پژوهش حاضر، تمرکز بر دوران پادشاهی ایشان در قلمرو اوده و کشمیر است و نه دیگر حکومت‌های این منطقه که ویژگی‌های غیرشیعی داشته‌اند.

افزون بر مقدمات فوق، آنچه بنمایه تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد، پژوهش در باب دلایل ورود ادیان هندویی کشمیر و تشیع به یک جریان تعاملی است. از رهگذر این فرآیند، شکلی از تعامل میان ایشان به وجود آمد که سازوکار آن در لایه‌های اعتقادی، آیینی و فرهنگی قابل بررسی است. همچنین، نتایجی از تعاملات ایشان حاصل گردید که در سه حوزه اعتقادی، اخلاقی و آیینی نیازمند پژوهش هستند؛ ضمن این که به عنوان تکمله، تاثیر این تعاملات بر ادیان هندویی کشمیر و البته تشیع هم به واکاوی نیاز دارد.

یکی از نقاط اوج اقبال هندوها به تشیع، در دوران سلاطین اوده (۱۱۵۲ ق- ۱۲۷۲ ق) روی داد که بر بخش‌هایی از شمال هند حکمرانی می‌کردند. دوران مذکور از این سو مورد توجه قرار گرفته است که برخی از حکمرانان این سلسله به طور مشخص دارای گرایش‌های شیعی بودند و آشکارا در تقویت جایگاه تشیع در شمال هند کوشش نمودند. این امر حساسیت مقوله «اقبال به تشیع» را دوچندان می‌سازد، زیرا برخلاف عرف تاریخی که تجهیز اندیشه‌های مذهبی به پشتوانه سیاسی و نظامی معمولاً باعث تقابل دینی بوده است، در دوران سلاطین اوده جریانی از تعامل و تبادل دینی میان شیعیان حاکم با هندوهای ساکن شکل گرفت که برخی ریشه‌ها و روندهای آن در این مقاله مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

آثاری متنوع درباره تاریخ ادیان و مذاهب کشمیر به زبان فارسی تالیف و ترجمه شده که بخشی از آنها مربوط به عنوان رساله حاضر است و آنها را می‌توان ذیل سه دسته معرفی نمود: ۱. کتابها که از آن جمله می‌توان به تاریخ شیعیان کشمیر، تاریخ تصوف هند، پیوندهای فرهنگی ایران و هند در دوران اسلامی و آثار کلاسیک دوران اسلامی مانند: خورشید خاور، شیعیان شکرستان هند و ... و یا آثار شرق شناسان و محققان خارجی مثل:

Reliving Karbala, Martyrdom in South Asia memory; The Twelvwe Shia as a Muslim Mionarity in India.

اشاره کرد.

حضور شیعیان در شبه قاره هند

نخستین ارتباط تاریخی مسلمانان و هندوها هنوز در پرده‌ای از ابهام قرار دارد. از آنجا که سنت تاریخ-نگاری در سرزمین هند چندان مورد توجه نبوده است، تاکنون هیچ نوشتار بومی مبنی بر تماسهای اولیه اسلامی-هندویی در آنجا به دست نیامده است. اما بعضی از مورخان مسلمان، همانند بلاذری (۲۷۹ ق)، در آثار خویش به تجار نومسلمان عرب اشاره کردند که در زمان پیامبر (علیه السلام)، آموزه‌های وی را در سواحل و جزایر جنوب هند رواج دادند. (بلاذری، ۱۳۶۴، ص ۴۳۲) داستانی دیگر هم نشان می‌دهد که نمایندگان از سوی راجه ایالت مالابار، در مدینه با ابوبکر (۱۳ ق) ملاقات کردند و پس از بازگشت، مردم ایالت خویش را به اسلام فراخواندند (عبدالرحمن، ۱۹۵۹: ۱)

سرآغاز ورود تشیع به هند را باید در تماس ائمه متقدم شیعه علیه السلام با هندی‌ها جستجو کرد. گماشتگان امام علی علیه السلام نخستین شیعیانی بودند که در دوران خلافت ایشان (۳۵-۴۰ ق) به نیت ترویج و تثبیت این مذهب به هند آمدند (مظفر، ۱۳۸۴، ص ۳۱۷). خاندان بنی شَنَسَب را می‌توان اولین جماعت از نوشیعیان هند دانست که با نماینده حضرت یبعت نمودند. خودداری این خاندان از لعن اهل بیت پیامبر علیه السلام در دوران اموی، نشان می‌دهد که ایشان هنوز بر عهد خویش باقی بوده اند. (فرشته، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵) این رویکرد، در بسترسازی برای حضور شیعیان مهاجر در هند موثر بود و آن زمان، بسیاری از شیعیان برای گریز از جور امویان، راهی هند می‌شدند. شماری از داعیان اسماعیلی نیز با تنگناهایی که در عراق داشتند، به سوی شرق روانه شدند و به ویژه از اواخر سده دوم قمری در بخش‌هایی از هند فعال بودند. (باسورث، ۱۳۸۱، صص ۵-۵۷۴) نواحی شمالی شبه قاره بسیار دیرتر پذیرای شیعیان بود و چه بسا تا ابتدای سده ۶ ق هیچ جنبش تبلیغی و فراگیر اسلامی در آن سامان توفیق نیافت. نخستین نشانه‌های حضور شیعیان نیز گویا به همین دوران و فعالیت اسماعیلیانی محدود می‌شود که از الموت قزوین بدانجا رفتند. (آریا، ۱۳۸۳، ص ۳۷؛ Arnold, 1913, p.244) به تبع ایشان، شیعیان اثنی عشری نیز به تدریج و پیوسته به این منطقه وارد شدند. (هالیستر، ۱۳۷۳، ص ۱۱۲) البته

باید توجه کرد که شمال هند برای شیعیان مهاجر، جاذبه کانون‌های سنتی، همانند قم یا نیشابور را نداشت و لذا چنانچه افرادی به این دیار می‌رفتند، انگیزه‌هایی چون تجارت، جستجوی امنیت، داشتن حکومتی مستقل و (در مواردی محدود) تبلیغ محبت و آموزه های اهل بیت علیه السلام را داشتند. برخی مناطق شمالی هند تا قرن‌ها بعد (یعنی تا اوایل سده ۸ ق.) نیز تحت حاکمیت هندوها بودند و به تدریج مسلمان شدند؛ چنان که در همین زمان، راجه کشمیری، موسوم به راجپوت تحت تعلیم شخصی به نام سید شاه فرید الدین مسلمان شد و اکثر اتباع او نیز از راجه پیروی کردند. (همان، ص ۱۶۱)

سلطنت اوده؛ نخستین حاکمان شیعی در شمال هند

اوده یا ایودیه منطقه‌ای در شمال هند است که بین دو رودخانه جَمنا و گنگ قرار دارد. این ناحیه که امروز در ایالت اُترپرادش قرار گرفته، حد فاصل سال‌های ۱۱۳۲-۱۲۴ ق. مرکز حکومت سادات شیعه بود و ایشان از آنجا، بر بخش‌هایی وسیع از شمال شبه‌قاره سلطنت می‌کردند. پیش از این تاریخ، منطقه اوده در قلمرو گورکانیان قرار داشت و ایشان در طول چند سده، نوابی را بر آنجا می‌گماردند. تعدادی از این نواب را مهاجران شیعه‌ای تشکیل می‌دادند که از منصب‌داران حکومت تیموری در ایران بودند و به هند آمدند. دربار گورکانیان پس از اورنگ‌زیب نسبت به تشیع تسامح بیشتری به خرج می‌داد و به دوره سلطنت بهادرشاه (۱۰۵۳-۱۱۲۴ ق.) که خود گرایش به تشیع داشت، پذیرای شیعیان نخبه ایرانی بود. این طبقه از شیعیان ایرانی که قدرت آن‌ها به سان قدرت خاندان برمکی در بغداد، بر پایه استمرار نفوذ خانواده آنان در دربار قرار داشت، به‌زودی تمام امور گورکانیان و ولایات نیمه مستقل شمال هند، و از جمله اوده، را در اختیار گرفتند. (چودھری، ۱۹۶۰، ص ۳).

آغاز حکومت سادات چنان رقم خورد که محمد شاه گورکانی (ح ۱۱۱۴-۱۱۶۱ ق.) در سال ۱۱۳۲ ق. یکی از وزرای دربار دهلی، موسوم به میر محمد امین موسوی (معروف به سعادت خان، برهان الملک) را به عنوان نایب خویش در اوده منصوب نمود. (ابولحسنی، ۱۳۸۳، ص ۹۷) میر محمد از خانواده سادات بود و نسب خود را به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رساند. او مدتی طولانی در نیشابور اقامت داشت و در آن ناحیه دارای احترام بود. (هالیستر، ۱۳۷۳، ص ۱۷۲) بافتار مذهبی منطقه اوده در آن زمان، عمدتاً شیعی بود و لذا در راستای سیاست دربار گورکانی مبنی بر گماشتن فرمانداران (نواب) شیعه بر این ناحیه، میر محمد (۱۱۳۲-۱۱۵۲ ق.) برای حکمرانی اوده انتخاب گردید. از پس او به ترتیب، افراد ذیل عهده‌دار حکومت بودند:

ابوالمنصورخان صفدرجنگ (۱۱۵۲-۱۱۶۸)^۱

میرزاجلال الدین حیدر شجاع الدوله (۱۱۶۸-۱۱۸۹)

آصف الدوله (۱۱۸۹-۱۲۱۲ ق.)

میرزا وزیر علی خان (۱۲۱۳-۱۲۱۲ ق.)

^۱ - داماد و خواهرزاده سعادت خان است.

سعادت علی خان یمین الدوله (۱۲۱۳ - ۱۲۳۰)

سلطان غازی الدین حیدر (۱۲۴۳ - ۱۲۲۹ ق)

سلطان نصیر الدین حیدر (۱۲۴۳ - ۱۲۵۳ ق)

محمدعلی شاه (۱۲۵۳ - ۱۲۵۸ ق)

امجد علی شاه (۱۲۵۸ - ۱۲۶۳ ق)

واجدعلی شاه (۱۲۶۳ - ۱۲۷۲ ق)

برجیس قدر (۱۲۷۳ ذی القعدة - ۱۲۷۴ شعبان)

ایشان در مجموع ۱۴۲ سال بر اوده حکمرانی کردند که این دوران را می توان به دو بخش تقسیم نمود: نخست، «دوره حکومت نواب وزیر اوده» که مشتمل بر حکومت میر محمد امین تا سعادت علی خان یمین الدوله به عنوان دست نشانده دربار گورکانی است. در این مرحله گورکانیان با انتصاب وزرا و فرمانداران شیعه ایرانی تبار، به تثبیت قدرت خود در شمال هند پرداختند. نواب یا همان وزرای دست نشانده، در واقع اجراکننده فرامین دربار گورکانی بودند، لذا، توفیقی آنچنان در اعتلای جایگاه اجتماعی شیعیان (به ویژه در قبال اهل سنت) به دست نیاوردند. دومین دوره، «سلطنت پادشاهان اوده» بود که از سلطان غازی الدین حیدر آغاز و تا برجیس قدر امتداد یافت. در این زمان، دربار گورکانی رو به ضعف نهاد، از این رو، غازی الدین فرصت را غنیمت شمرد و با اعلام خودمختاری، آرزوی دیرین شیعیان شمال هند را در برقراری حکومت مستقل شیعی، محقق نمود. تشکیل پادشاهی اوده متضمن تثبیت حکومت در مرزهای داخلی و تقابل با نیروهای خارج از منطقه اوده بود. سلاطین شیعه اوده در این دوره چالش های مختلفی را با نخبگان سیاسی اهل سنت و دیگر طبقات دینی، همانند هندوها، از سر گذراند. البته در انتهای این دوران، مشکل جدیدی نیز به چالش های مذکور افزوده شد و آن هم مداخله کمپانی هند شرقی و تلاش های آنان در ایجاد تنش بین مسلمانان بود. (Cole, 1998, Pp.45-46)

برگزاری مراسم و اعیاد مذهبی

شیعیان مهاجری که از ایران یا مناطق جنوبی هند راهی کشمیر شدند، میراثی از مراسم مذهبی را با خود همراه بردند. این میراث در تلاقی با سنن آیینی مشابه در هندویی تقویت شده و توسعه یافتند؛ از آن دست می توان موارد ذیل را برشمرد:

الف) اماکن عزاداری

یکی از مواردی که شیعیان هند به آن خیلی حساس و اهمیت زیادی برای آن قائل هستند عزاداری حضرت اباعبدالله علیه السلام است. آنان در این راه از هزینه کردن هیچ چیز دریغ نمی کنند و آن قدر برای برگزاری مجالس حسینی پول هزینه می کنند که بطور یقین با تناسب جمعیتشان هیچ ملتی در دنیا آن قدر هزینه نمی کنند. مراسم محرم در هند از چندین سده پیش نواب در مناطق مختلف، توسط پیروان مذاهب و ادیان گوناگون چون

هندوها و سیک‌ها و پارسی‌ها برگزار می‌شد و امام حسین علیه السلام مورد احترام بسیاری از هندوها در مناطق شهری و روستایی بود. از این رو، گروه‌های زیادی از هندوان در مراسم آیینی محرم شرکت می‌کردند. (فاضل الدمنه، ۱۳۱۱، ص ۱۱)

امامباره، بنای مذهبی است که جهت برگزاری مراسم محرم ساخته شده است. امامبارها در جنوب هند عاشورخانه خوانده می‌شوند، مجالس سوگواری عمومی در ایام محرم هر روز در امامبارهای بزرگ برگزار می‌شود و گروه‌های مذهبی مختلف در این مراسم شرکت می‌کنند. (Cole, J.R.I, 1889, p:11) در عصر نواب اوده، ساخت امامبار به صورت بناهای یک طبقه و محصور در باغ‌ها گسترش یافت. این بناها مشابهت زیادی با ارادری^۱ (معماری هند) دارد. ساخت این بناها قبل از حضور نواب در عصر بابریان در بناهای فتح پور سیکری و همچنین قصر شاه جهان در اجمیر سابقه داشت. دروازه ۱۲ درب برای شیعه و هندو در لکنهو دارای جاذبه و تقدس بود. برای شیعیان این عدد نماد دوازده امام و در فرهنگ هندوها نشانه بروج دوازده گانه خورشید است. به اعتقاد هندوها در دوره باستان در اوده حکومتی وجود داشت که حاکم آن (خورشید) از معروف‌ترین خدایان ودایی بود. (Casci, Simonette, Marzia Casolar, Simon Vitorini, 2002, p:26-27)

در دوره نواب اوده نیز بنا بر گزارش خانم میرحسن علی^۲ افراد عالی‌مقام از همه گروه‌های مذهبی در امامبار جمع می‌شدند و نماز صبح و عصر در دره روز نخست محرم در امامبارها برگزار می‌شد. نجای شیعه و سنی و هندوان در آن شرکت می‌کردند و مردم فقیر هم اجازه داشتند قبل از شروع مراسم به امامبار بروند. (MirHassan Ali, 1832, p39) در ایام برگزاری آیین‌های سوگواری محرم در لکنهو هیچ‌کس به این موضوع که چه کسی سنی است و چه کسی شیعه توجه نمی‌کردند و شیعیان و برخی از اهل سنت و هندوان به نوحه‌خوانی می‌پرداختند. (Mushirul, 2007, p255)

ب) تعزیه

یکی از مراسم آیینی مشترک میان شیعیان و هندوان برگزاری مراسم تعزیه است. تعزیه در ایران، به مفهوم نوعی نمایش مذهبی است، ولی در هند به مفهوم یک نماد دست‌ساز و مادی است. این تعزیه عمدتاً توسط برخی خانواده‌های شیعی فقیر ساخته می‌شود. (همان، ص ۹۹ - ۱۰۰) در هند تعزیه به مقبره‌های کوچک و نمادینی گفته می‌شود که به تقلید از بارگاه امام حسین علیه السلام ساخته می‌شود. در روز شهادت حضرت علیعلیه السلام تشیع نمادین تابوت است که به شیوه هندی با گل‌های سفید تزئین شده است. بنابر مشاهدات میرحسن علی بیشتر تعزیه‌ها بر روی سطح صاف و با پایه‌های محکمی از بامبو ساخته می‌شود تا به آسانی بر روی شانه قابل حمل باشد. بیشتر تعزیه‌ها از کاغذ و برخی دیگر از آبنوس، عاج فیل و یا نقره ساخته می‌شود. (Mir Hassan Ali, 1832, p 31) مراسم سالانه تعزیه بزرگ در عصر نواب اوده، بیشتر شبیه حرکت

^۱ - Baeadari

^۲ - همسر یکی از درباریان اوده بود که در فاصله ۱۲۳۱ تا ۱۲۴۳ در شمال هند و بیشتر در لکنهو اقامت داشت.

کارناوالی پرزرق و برق بود و مهمترین عامل و نماد همبستگی اجتماعی در آیین‌های محرم به شمار می‌رفت و اهل سنت، هندوها و شیعیان به طور یکسان در آن مشارکت داشتند. هندوان تعزیه را مقدس می‌دانستند و آن را پرستش می‌کردند و با دیدن آن تعظیم می‌کردند و مسلمانان نیز تحت تاثیر هندوان همین شیوه را در پیش گرفته و در مقابل تعزیه سرفروود می‌آوردند. (شوشتری حسینی، ۱۲۹۴، ص ۴۴)

آنان در کوچه و بازار سقاخانه‌هایی مهیا کرده و به مردم شربت و شیرینی می‌دادند و به زبان هندی و فارسی مرثیه می‌خواندند و تعزیه‌هایی شبیه ضرایح مقدس از چوب و کاغذ درست کرده و در ده‌روز محرم هرزمانی که تعزیه را می‌دیدند، بنابر آداب خود آن را پرستش و تعظیم می‌کردند و آن‌ها را بعد پایان مراسم عاشورا در مکان‌هایی که کربلا خوانده می‌شود دفن می‌کردند. (شوشتری حسینی، ۱۲۹۴، ص ۶۶) هندوان به قدرت ماورای طبیعی و سخاوت امام حسین علیه السلام و خانواده و اصحابش ایمان داشتند و از آنان درخواست دعا و شفاعت می‌کردند. از این رو نذوراتی تقدیم امام حسین علیه السلام می‌کردند و برای رسیدن به آرزوهایشان در اجرای تشریفات مذهبی کوشا بودند. (Malik Mohammad, 2007, p 412.)

برخی از صاحب منصبان دربارنواب اوده چون مهاراجه جهاولان^۱، راجا تیکت رای^۲، راجا میورام^۳ در لکنهو امامباره‌هایی بنا کردند. (دهرمیندرناث، ۱۳۹۲ ق، ص ۱۵۰). جگن ناتھ ملقب به شرف الدوله در عهد امجدعلی‌شاه، روضه کاظمین را در لکنهو بنا کرد. در دوره سعادت خان برهان الملک (۱۱۴۵-۱۱۵۲ هـ) هرکس از هر فرقه و طبقه آزادانه به آداب مذهبی خود عمل می‌کرد. از یک سو صدای ناقوس بلند بود و از سوی دیگر صدای اذان به گوش می‌رسید. برهان الملک به سبب پای‌بندی به مذهب شیعه، ایام محرم را در اوده تعطیل عمومی اعلام می‌کرد و هندو و مسلمان همراه با او به سوگ امام می‌نشستند. در واقع آغاز تبلیغ و سپس ترویج تشیع در منطقه اوده مرهون کوشش‌های برهان الملک بود. (کاظمی، ۱۹۹۹، ص ۳۵). به نظر می‌رسد هندوان از اهل سنت مورد اعتماد و وثوق شیعیان بودند و برهان الملک بسیاری از منصب‌داران خود را از میان هندوها برگزیده بود. (Srivastava, 1993, p 81.)

جانشینان برهان الملک نیز سیاست مذهبی وی را پی گرفتند. صفدر جنگ (۱۱۵۱-۱۱۷۰ هـ) فردی شیعه، متقی و پارسا بود و سیاست دینی کاملاً آزادمنشانه‌ای داشت. رفتار او با هندوان و مسلمانان یکسان بود و برخی از نزدیک‌ترین صاحب منصبانش هندو بودند. (Ibid, p 256) نواب اوده، تاکید زیادی بر برگزاری با شکوه آیین‌های مذهبی شیعی به‌ویژه مراسم سوگواری محرم داشتند. در دوره نواب اوده، امامباره‌های با شکوهی جهت مراسم محرم ساخته شد و حتی هندوان نیز در ساخت مساجد و امامباره‌ها مشارکت کردند. (Rizvi, 1986, p 17) آصف‌الدوله در ایام عاشورا کوچه به کوچه، خانه به خانه می‌گشت و به هر تعزیه‌خانه از ۵

1 - Jhaulal
2 - Tikaitrai
3 - Mio Ram

روپیه و یک کوزه شربت تا صد روپیه و گاه هزار روپیه می پرداخت. (دهرمیندرناته، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰). وجود برخی مشابهت‌ها میان آیین‌ها و آداب دینی هندوان با آیین‌های محرم، سبب می‌شد تا گروه‌های زیادی از هندوان، ضمن پای‌بندی به اعتقادات و آداب دینی خود در مراسم محرم شرکت کنند. به نظر می‌رسد مشارکت هندوان در برپایی آیین‌های محرم بیش از آن‌که به سبب گرایش به تشیع و ابراز عشق و علاقه به امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا باشد، برای آن‌ها تداعی کننده آداب و رسوم و آیین‌های ویژه هندوئیسم بود (Ahmad and Donnan, 1994, p41).

درواقع همانندسازی پدیدارهای دینی، موجب شد تا فضایی مساعد برای ایجاد همدلی در اجرای آیین‌های محرم فراهم شود، چنان‌که در میان هندوان علی‌علیه السلام دهمین اوتار (تجسد) ویشنوبود و پیامبران نیز با خدایان هندو همسان‌سازی می‌شدند. (Thomas, 1892, p.87) در اوده نیز بنابر باوری عمومی، امام حسین علیه السلام برای بسیاری از هندوها تداعی کننده و تجسم راما ایودهی^۱ است. راما برای هندوان مظهر انسان کامل و عشق و معرفت الهی و نیز جوانمردی و رادمردی است. او نهضتی را در صحرا برپا کرد و برادرش عباس همانند کلشمن شجاع و فداکار بود و زینب (س) و همسر امام حسین علیه السلام نیز تداعی کننده نقش سیتا و دارای ویژگی‌هایی همچون دلاوری و وفاداری بودند. یزید حاکم اموی و آزاردهنده امام حسین علیه السلام، همان راونا^۲، دیو فاسد و جاه طلب است. (Mushirul Hassan, 2007, p119)

شبه دهه اول محرم، مراسم دیگری با عنوان دسهره^۳ به مدت ده روز به یاد ده روز جنگ سخت راما و روانا در معابد هندو برگزار می‌شد. نه روز اول را به خواندن دعا و جشن و پایکوبی می‌پرداختند و در روز دهم که پایان نبرد بود، غلبه خیر و نیکی را بر شر و بدی به نمایش می‌گذاشتند. آن‌ها سه مجسمه بزرگ از اهریمن و برادر و فرزندش می‌ساختند و پس از بیان رزم این سه تن با راما آن‌ها را به آتش می‌کشیدند. برای گروه‌هایی از هندوان هم امام حسین علیه السلام یادآور الهه مرگ است. مراسم ستایش این الهه نیز ده روز است و در روز دهم مجسمه‌ای سفالین از این الهه در رودخانه غرق می‌کند. (Cole, 1989, p 11) در این عصر هندوان با تشکیل دسته‌های عزاداری و برپایی تعزیه‌خانه‌ها و ساخت امامباره و کربلا و تقدیم نذورات و هدایا و گل در این مراسم شرکت می‌کردند و از امام حسین علیه السلام حاجات خود را طلب می‌کردند. البته نظر به اینکه مستندات تاریخی اندکی از مناسک سلطنت اوده بر جا مانده وضعیت کنونی را ملاک آن دوران قرار می‌دهیم.

پ) اجتماعات، عبادات و حرکات دسته‌جمعی دینی

یکی از ویژگی‌های اصلی فرهنگ مذهبی این منطقه تاکید بر شکوه و برجستگی‌های آیین‌ها و مناسک جمعی بوده و هست. نماز جمعه، نخستین نوآوری عمده مذهبی است که امرا و حاکمان اوده در ایجاد نهاد رسمی مذهبی برعهده گرفتند. اما این حرکت جنجال‌ناخوشایندی در آن زمان ایجاد و کل سنت شیعی شمال هند را

1 - Ajodhya

2 - Ravna

3 - Dusserah

تحت الشعاع قرار داد. (Cole, 1989, p 235) در خطبه نماز جمعه را به نام ائمه اثنی عشری آغاز کردند. آشکار است که این خطبه ها در طول سالیان متمادی، ابزاری مهم برای گسترش رسمی و دوام زبان فارسی در شبه قاره بود. همانطور که در میان شیعیان کشمیر کمتر از ۱۰ مسجد وجود دارند که نمازهای پنجگانه در آن با جماعت خوانده می شود. مساجد شیعه دارای شاخصه هایی است که آن را از دیگر نمونه های اسلامی آن را از دیگر نمونه های اسلامی آن متمایز ساخته است. سلاطین شیعه در جنوب هند مساجدی بسیار فاخر، همانند مسجد چهارمنار و مسجد بیت العتیق در حیدرآباد ساختند که کتیبه ها و کاشی کاری آن ها ائمه علیه السلام را بر خود داشت، یا همانند مسجد گلبرگه نام پنج تن آل عبا یا خلفا را بالای کتیبه می نوشتند. (جعفریان، رسول، ۱۳۸۸، ص ۵۷۳؛ توسلی، مهدی، ۱۳۹۴، ص ۸۶). آنچه قابل توجه است اینکه معماران این مساجد، ایرانی بودند همانند رفیع بن شمس بن منصور قزوینی که معمار مسجد گلبرگه بود. این مسجد امروزه مهم ترین بنای تاریخی در جنوب هند است که برای محمد اول از سلاطین بهمنی ساخته شد. (توسلی، مهدی، ۱۳۹۴، ص ۴۸)

صور کهن ماتم و عزاداری برای امام حسین علیه السلام و سایر شهدای کربلا در تشیع شمال هند، عمدتاً به شکل سینه زنی مکرر و گاهی به شکل صدمه زدن به خود با استفاده از تیغ یا زنجیر است. گروه های مردان و زنان هر کدام مجالسی را برگزار می کنند که در آن وعظ سخنرانی هایی طولانی ایراد می کنند که طی آن به تشریح مصائب کربلا می پردازند. بعد از سخنرانی، شرکت کنندگان برای خواندن نوحه (شعر ماتم) بلند می شوند و ماتم و زاری می کنند. کربلا تنها نمونه خارق العاده از رنجی است که اولیای شیعه محتمل آن شدند و به علت این معصومیت است که خداوند به امام حسین علیه السلام و خانواده اش قدرت شفاعت از افرادی را اعطا کرد که در مراسم عزاداری محرم که هر ساله به احترام شهدای کربلا برگزار می شود یادش را گرامی می دارند. مراسمی که از درونمایه و مضمونی از رنج، تخلیه ارادی خود و یادبودی برای ارائه مفاهیم مختلف دارد که با هویت شیعه مرتبط است. (Pinaut, 1997, p.11)

نوحه و مرثیه خوانی وسیله و فرصتی برای شیعیان هند فراهم می آورد تا با بهره گیری از مضامین آن، حس همدردی جامعه را نسبت به خود به عنوان اقلیتی رنج دیده برانگیزانند. پینالت در این زمینه می گوید: «نوحه به دنبال برانگیختن تأثر و اندوهی است که مربوط به لحظه های خاصی از رنج های شهداست. ویژگی نوحه در یادآوری و تجسم دلخراش و تأثرآور علاوه بر بعد کلامی دارای بعد زیباشناختی است. این تصویرپردازی به وسیله شعرهایی ظاهر می شود که برای تحریک و برانگیختن غم و اندوه در میان شرکت کنندگان در نظر گرفته شده و تقوا و پرهیزگاری شیعیان این امتیاز مذهبی را حفظ می کند که توسط آن دسته که برای امام حسین علیه السلام گریه می کنند و آن دسته که دیگران را به گریه وامی دارند به دست آمده است. درست است که این شعرها توأم با غم و اندوه است و خاطرات گذشته را گرامی می دارد، اما درعین حال سبب می شود که شرکت کنندگان وضعیت امروزه خود را در آینه تاریخ بنگرند و تأمل کنند. شرکت کنندگان ترغیب می شوند که خود را بخشی از سلسله متصل عزاداران ببینند که از طریق ماتم، از نسلی به نسل دیگر مرتبط اند. دقیقاً به این

دلیل که ماتم حالتی که اساسا به عنوان ویژگی و خصوصیت شیعیان تلقی می شود در تعریف اجتماعی شیعیان مؤثر است.» پینالت همچنین شرکت گروههای سنی و غیرمسلمانان هندو در مراسم تعزیه را ناشی از ظرفیت مراسم محرم در تخلیه رنج ها می داند. (Pinaut, David, 1997, p.83)

مراسم محرم را می توان پل وحدت و اشتراک نظر بین اقلیت شیعه با سایر گروهها و فرقه های مذهبی در هند دانست. علی رغم برخی منازعات و رقابت های مذهبی شیعه و سنی، سنت های محرم در هند اختصاص به اقلیت شیعه نداشته و مسلمانان اهل سنت و همچنین غیرمسلمانان هندو و بودایی نیز به این سنت ها هر چند با برخی افزودگی ها و تغییرات پایبندند. «جان کول»، دلیل این ویژگی جامع و همگانی محرم را مربوط به ارتباط میان مذهب و جامعه در هند سنتی برمی شمرد. وی نبود نسبی مقامات نظارتی مذهبی در کنار آزادیهای مذهبی را دلیل دیگر همگانی شدن و تمرکززدایی از مذهب در هند برمی شمرد. (Cole, 1988, p.21)

در اوده، بنابر باورهای عمومی، امام حسین علیه السلام برای بسیاری از هندوها تداعی کننده و تجسم رامایودهی^۱ است. رامایودهی هندوان مظهر انسان کامل و عشق و معرفت الهی و نیز جوانمردی و رادمردی است. او نهضتی در صحرا برپا کرد و برادر عباس همانند لکشمین (برادر رامایودهی) شجاع و فداکار بود و زینب (س) و همسر امام حسین علیه السلام نیز تداعی کننده نقش سیتا و دارای ویژگی هایی همچون دلاوری و وفاداری بودند، یزید حاکم اموی و آزار دهنده امام حسین علیه السلام همان راونا^۲، دیو فاسد و جاه طلب است. (Mushirui, 2007, p.119) هندوان جنگ میان رامایودهی و راونا را به نبرد بین خیر و شر تفسیر می کردند و در بیشتر مناطق هند به مناسبت روز تولد رامایودهی مراسمی برگزار می کردند. (Buck, 1977, p. 88)

تاکید بر عبادت گروهی در میان مسلمانان تاثیر خود را بر هندوها گذاشت. معابد هندوی ساخته شده قبل از ظهور اسلام مکان لازم را برای عبادت فردی را در برابر مقام الوهیت فراهم می کردند در حالیکه معابدی که بعدها ساخته شدند فضای بیشتری داشتند و به نظر می رسد تحت تاثیر ایده عبادت گروهی مسلمانان قرار گرفته اند. آن گونه که ما از گزارش ابوریحان بیرونی درمی یابیم هندویسم کیش تبلیغی نبود. در حقیقت این آیین بیشتر متمایل به این بود که مانع ورود مردم به هندویسم شود. اسلام هم عمیقا تحت تاثیر محیط هند و نگرش های دینی آن قرار گرفت. بسیاری از مناسک عرفانی - تعمق^۳، تمرکز^۴، کنترل نفس^۵، تصور شیخ و ... - از یوگی های هندی و بودایی وام گرفته شده است. (جهان آبادی، ۱۳۰۸، ص ۲۵)

سید محمد غوث با بحرالحیاه و جواهر خمسه خود مناسک یوگایی را در مین عرفای مسلمان ترویج کرد. برخی از این سازگاری ها با محیط هند به واسطه شرایطی ضرورت یافت که اولیاء مجبور بودند در قالب آن تعالیم

۱- نام باستانی ایالت اوده، Ajdhya.

2 - Ravna
3 - Meditation
4 - Concentration
5 - Control of Breath

عرفانی خود را در میان توده ها القاء کنند. به عنوان مثال گفته شده شیخ فرید به برخی از شاگردان خود اجازه می داد به زبان پنجابی ذکر بگویند. (جهان آبادی، ۱۳۰۸، ص ۲۵).

نواب اوده اول بار نماز جمعه به سبک شیعی را در شمال هند برقرار ساختند و مقرر نمودند تا به نام ائمه علیه السلام خطبه خوانده شود (Cole, J.R.I, 1989, 235). هندوهای شمال شبه قاره با این شیوه آموزش امور دینی آشنا بودند، زیرا خود نیز مجامعی موعظه آمیز داشتند که در معابد و یا فضاهای عمومی برگزار می شد. اما می توان تصور نمود خطبه هایی که به زبان فارسی، یعنی زبان همگانی، ارائه می شد، قادر بود تا آموزه های شیعی را در فضاهای عمومی به گوش عامه برساند. البته نه اسلام به طور اعم و نه تشیع به طور اخص، خود را صرفاً به زبان فارسی محدود نساختند؛ در این رابطه می توان به بعضی از مشایخ صوفیه اشاره کرد که به مریدان خود اجازه می داد تا به به زبان بومی ذکر بگویند (جهان آبادی، ۱۳۰۸، ص ۲۵) و یا روحانیونی که خطبه های نماز جمعه را به زبانی غیر از فارسی می خواندند. ((فخرالطالین، ۱۳۱۵، ص ۲۳)

شاه فخرالدین دهلوی (۱۱۲۶ - ۱۱۹۹ هـ) بر آن بود که در هند خطبه قبل از نماز جمعه باید به زبان هندی خوانده شود. (مجهول المؤلف، ۱۳۱۵، ص ۲۳). از سویی در سطح عمومی، ما شاهد ایمان مفرط به سحر، جادو، کرامت، عبادت قبر (اهل قبور) و خرافه پرستی هستیم که مثلاً بر اساس آن، بیماری های واگیردار را می توان با اجرای برخی مناسک مغایر با آموزه های اسلامی دفع کرد. صورت عینی تشیع اثنی عشری در اشکال مختلف بویژه آیین ها و مناسک آشکار شده است. این امور در واقع، تحقق باورها، آرمان ها، اسطوره های شیعی هستند که همواره به عنوان عواملی هویت ساز به بقای تشیع در شبه قاره یاری رسانده اند. آنچه سنت های شیعی را با مضمون مقاله حاضر پیوند می دهد. همراهی زبان فارسی در انجام برخی مناسک و یا شکل گیری یک آیین خاص با گونه ای از ادبیات فارسی است.

جشنواره هایی مختلف در گرامیداشت ایزدان هندویی وجود دارد که غالباً در شمال هند به صورت دسته جمعی اجرا می شده اند (قس. Flueckiger, 2015, p. 124) شیعیان نیز به ویژه در دوران تثبیت حاکمیت شیعی، مراسمی چون: عزاداری عاشورا و یا غُرس مشایخ را توسعه دادند و آنها را با شکوه فراوان اجرا می نمودند (Rizvi, 1986, Pp. 303-5). نموده های عینی این مراسم، همانند تعزیه خوانی و تعزیه گردانی، چه بسا برای هندوها یادآور اجرای نمایشهای آیینی از اساطیر *مهابهاراته* و یا *راماینه* بود که در جشنواره ها یا معابد برگزار می شدند. به ویژه، حرکت دستجات شیعیان در میان کوچه و بازار، هندوها را به نظاره و حتی مشارکت در این مراسم وادار می داشت.

رقص های دسته جمعی نیز صورتی خاص از مناسک هندویی بودند که برخلاف تلقی نادرست و امروزی ما، غالباً با اهدافی مقدس در معابد اجرا می شدند (MisirHiralall, 2021, p. 61). با گسترش شاخه هایی از تصوف شیعی کبرویه در شمال هند، رقص سماع نیز در خانقاه های این منطقه رواج یافت. از این

رو، هندوها با گونه‌ای مشابه از رقصهای آیینی مواجه بودند که به ویژه از سازها و سبک‌های هندی بهره می‌بردند.

ت) مولفه‌های اخلاقی

هندوها از دیرباز در اجتماعی می‌زیستند که مرزبندی‌های طبقاتی مشخصی (موسوم به وارنه‌ها یا کاست‌ها) بر آن حاکم بود. اجتماع ایشان معمولاً از سه طبقه روحانیون (برهمنان)، اشراف حاکم و جنگاوران (کشتیه‌ها) و پیشه‌وران (وایشیه‌ها) تشکیل می‌شد و هیچ فردی امکان گریز از طبقه‌ای که در آن زاده شده بود را نداشت. البته همواره عده‌ای نیز خارج از این مجموعه قرار داشتند که با عنوان شودره شناخته می‌شدند و متکفل کارهای خدماتی و فرمایه بودند (Prabhu, 2004, p. 284). ویژگی بارز این نظام آن بود که با مجموعه‌ای مفصل از آموزه‌های دینی توجیه و تقویت می‌شد و اعضای آن، خویشان را بخشی از یک ساختار کیهانی تصور می‌کردند که بر پایه طبقاتی از ایزدان مختلف اداره می‌شود. نظام اخلاق اجتماعی اسلامی دست کم به لحاظ نظری، مخالف ساختار طبقاتی و مدافع اعاده حقوق انسانی رعایا بود؛ لذا در بادی امر، بسیاری از شودره‌ها را مجذوب خویش ساخت. گرچه هندوهای تازه‌مسلمان هنوز سایه‌ای از نظام طبقاتی قبلی را در فضای حاکمیت شیعی نیز ملاحظه می‌کردند، اما مزایایی چون: سوادآموزی همگانی (Lewis, 1986: 4303)، نظام قضایی متفاوت، امکان ارتقاء طبقه و یا احترام اجتماعی، جزو مولفه‌هایی به شمار می‌رفتند که بسیاری از هندوهای دون‌مرتبه را در تشرف به تشیع راغب ساختند.

مثال قابل توجهی که می‌توان در این زمینه به آن استناد نمود، قواعد حاکم بر خویشاوندی دینداران است. برای نمونه، این باور در میان هندوها رواج داشت که فرزند یک فرد از طبقه پیشه‌وران (وایشیه‌ها) فقط می‌توانست با فردی از همان طبقه ازدواج کند (Prabhu, 2004, p. 291). در حالی که شیعیان چنین باوری نداشتند و معتقد بودند هر فردی حق دارد به کوشش خویش، طبقه اجتماعی خود را ارتقا بخشد و فارغ از طبقه اجتماعی، با فردی از دیگر طبقات ازدواج کند. این گونه تفاوت‌ها، پیام اخلاقی آشکاری داشت که همانا تساوی و عدالت انسانی بود و احتمالاً در ترغیب بعضی هندوها به تشیع موثر بود.

جمع بندی و نتیجه گیری

حاکمیت سلاطین شیعه بر قلمرو اوده در سده‌های ۱۲ و ۱۳ ق این زمینه را فراهم ساخت تا تشیع بتواند فارغ از تنگنای سیاسی گورکانیان، آموزه‌ها و مناسک خویش را به طور رسمی در شمال هند منتشر سازد. هندوهای ساکن در قلمرو اوده که مشتمل بر مذاهبی از ویشنویی، شیوایی و شکته بودند، در این دوره با مظاهر شیعی تماسی بیشتر یافتند و میزان گرایش آنها به مذهب شیعه افزایش یافت. مقاله حاضر با بررسی حول سه محور باورها، آیین‌ها و اخلاق دینی در پی اثبات این فرضیه بوده است که برخورداری از چهارچوب و تجربه دینی مشابه در یک سنت جدید؛ می‌تواند مسیر را برای تغییر کیش از دین قبلی هموار نماید. به تعبیر بهتر، هندوهای که به تشیع گرایش یافتند، چه در شیوه دینداری خویش و چه در مولفه‌های اعتقادی، آیینی و اخلاقی خویش،

زمینه‌ای مشابه با تشیع را تجربه کرده بودند. از این رو، پذیرش دین جدید، ضمن مزایای اجتماعی که برای ایشان به ارمغان می‌آورد، آنچنان متضمن دگرگونی اساسی در نوع دین‌ورزی و مولفه‌های درونی آن نبود. شباهت‌ها در حوزه مناسک هندویی و شیعی چه بسا بسیار آشکارتر بود. برای نمونه گستره‌ای از سنت‌های تطهیر و پرهیز، قرائت متون مقدس، توسل به قدیسان، زیارت، مناسک دسته‌جمعی و رقصهای آیینی رواج داشتند که به وسعت توسط شیعیان اجرا می‌شدند و در جزئیات خود از ابزارها، سبک‌ها و مواد موجود در محیط هندی استفاده می‌کردند. لذا بسیاری از هندوها نظاره‌گر و گاه همراه این گونه مراسم بودند و از جذابیت‌های آنها بهرمنده می‌شدند. در این میان، هندوهایی نیز بودند که حضور در این مناسک، ایشان را به تشیع متمایل می‌ساخت، زیرا تفاوتی بنیادین را میان آیین‌های فوق‌الذکر با سنت‌های مشابه هندویی ملاحظه نمی‌کردند و البته چه بسا تجربه‌ای عمیق‌تر در فضای این مناسک جدید برای آنها حاصل می‌شد.

منابع

۱. توسلی، مهدی، ۱۳۹۴، *سیمای شبه قاره هند*، قم.
۲. جعفریان، رسول، ۱۳۸۸، *اطلس شیعه*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی.
۳. جهان آبادی، کلیم الله، ۱۳۰۸، *کشکول کلیمی*، دهلی.
۴. دهرمندرنا، ۱۳۹۲ق، *عزاداری حضرت امام حسین علیه السلام ایک آفاقی تحریک*، دهلی نو.
۵. شوشتری حسینی، میرعبداللطیف، ۱۲۹۴، *تحفه العالم*، حیدرآباد.
۶. ضیایی، عبدالحمید، ۱۴۰۱، *رامایانا، کهن ترین حماسه عاشقانه هند*، تهران، نشر سفیر ارهال.
۷. فاضل الدمنه، ۱۳۱۱، *انوار السعاده فی ترجمه اسرار الشهاده*، بی‌جا.
۸. کاظمی، فروغ، ۱۹۹۹، *شاهان اوده اور شیعیت*، لکنهو.
۹. مجهول المؤلف، ۱۳۱۵، *فخر الطالبین*، دهلی.

1. Ahmad and Donnan, Hasting, 1994, *Islam Globalization and Postmodernity*
2. Buck, C.H, 1977, *Faith, Fairs Festival of india*, New Delhi.
3. Casci, Simonette, Marzia Casolar, Simon Vitorini, 2002, *Cultural and Political Identities in India*, Milano.
4. Cole, J.R.I, 1989, *Roots of North Indians Shiism in Iran and Iraq: Religion and state in Awdh*.
5. Lewis, B, Ménage. L, Poll Stat, Chand Schacht, 1986, "Hind", *Encyclopedia of Islam*, V.3, Leiden and London, Brill, Luzac.
6. Malik Mohammad, 2007, *The Foundation of composite culture India*, Delhi.

7. Mir Hassan Ali, 1832, *Observation on the Mussulmauns of Indi*, London.
8. Misir Hiralall, S. D., 2021, *Devotional Hindu Dance: A Return to the Sacred*, Macmillan.
9. Mushirui, Hasan. 2007, *Lucknow – Memories of city*, Edited by Violet Graff Oxford University press, New Delhi.
10. Prabhu, P. H., 2004, *Hindu Social Organization: A Study in Socio-psychological and Ideological Foundations*, Popular Prakshan Pub., Bombay
11. Pinaut, David, 1997, *Shiism in South Asia, The Muslim world*, S.T. Martin's press, New York.
12. Rizvi, Saiyed Athar Abbas, 1986, *Asocial – intellectual history of the Isna Ashari shi is in India*, Australia. V.1
13. Srivastava, Ashibadila, 1993, *the first Two Nawab of Oudh*, Lucknow.
14. Thomas, F.W, 1892, *The Mutual in flounce of Muhammadan and Hindus*, London.